

[ملاک و ضابطه مشارکت در قتل (مرحوم محقق ره) 2](#_Toc510439040)

[اشکال: منافات ضابطه اول با اطلاقات قبلی در استناد قتل به جزء یا علت متأخر 2](#_Toc510439041)

[اشکال به ضابطه دوم: اشکال در موارد ترتب (مرحوم صاجب جواهر ره) 2](#_Toc510439042)

[ضابطه قصاص متعدد در نصوص 3](#_Toc510439043)

[مقطع دوم: کیفیت توزیع جنایت 3](#_Toc510439044)

[وجه ملاکیت رؤوس: اطلاقات نصوص 3](#_Toc510439045)

[اشکال: مانعیت با ارتکاز عقلایی 4](#_Toc510439046)

[جواب: عدم احراز و استقرار ارتکاز فوق 4](#_Toc510439047)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/صورت ششم/اشتراک در قتل /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بررسی موارد اشتراک در قتل بود که در رابطه با ملاک و معیار این اشتراک جریان داشت.

بحث در کلام مرحوم محقق قدس سره بود نسبت به ضابطه اشتراک در قتل بود.

ایشان در مرحله اول، ملاک در حصول شراکت در قتل و اینکه صدق شرکت منوط به چه مقدار و چه کیفیتی است، و آیا مقارنت شرط است یا نه را بیان نمود، و در مقطع دوم، بحث از این می کند که در فرض تحقق مشارکت، معیار در نسبت مشارکت و میزان مسؤولیت هریک از شرکا، رووس است یا می بایست مقدار تأثیر فعل هر شخص به نحو مستقل سنجیده شود و در نتیجه مسؤولیت به مقدار همین تأثیر ثابت می شود.

همان طور که گذشت؛ مرحوم آقای خویی قدس سره از مقطع اول و بیان ضابطه مشارکت بحثی نکرده است و مستقیما وارد مقطع دوم از این بحث شده است، این در حالی است که بحث اول، مبحث مهمی است که ایشان از آن غفلت نموده است.

##### ملاک و ضابطه مشارکت در قتل (مرحوم محقق ره)

مرحوم محقق قدس سره شرکت در قتل یا جنایت را به یکی از دو امر محقق دانست؛ اول اینکه موت یا جنایت دون القتل، به طور مستقل از هر یک از جنایات و افعال شریک قابل تحقق باشد؛ به نحوی که بدون ضمیمه دیگری نیز قتل یا جنایت دون القتل حاصل شود.

دوم هم اینکه، هر یک از افعال و جنایات، بالفعل تأثیری در وقوع جنایت نهایی داشته باشد ولو به نحو جزء موثر در وقوع این جنایت یا قتل باشد.[[1]](#footnote-1)

##### اشکال: منافات ضابطه اول با اطلاقات قبلی در استناد قتل به جزء یا علت متأخر

به نظر می رسد که ضابطه اولی که در اینجا توسط مرحوم محقق قدس سره مطرح شده است، با اطلاقات قبلی منافات داشته باشد؛ چرا که اگر بنا شد برای تحقق شراکت در قتل، هر یک از دو جنایت، به نحو مستقل موثر در موت و قتل باشند، امر ارتکازی استناد فعل به جزء اخیر یا علت متأخر، ملاحظه و رعایت نشده است و در واقع این حکم با این امر ارتکازی، منافات دارد.

البته می توان به واسطه قید فعلیت در هر یک از اطراف، رفع این تنافی نمود که در این صورت مورد مشارکت در این ضابطه محدود به مواردی می شود که یا دو جنایت به نحو همزمان واقع شده است و یا این که با وجود تناوب بین جنایات، اما تأثیر آنها در زمان واحدی خواهد بود.

بنابراین به نظر می رسد که ضابطه اول ایشان، مشتمل بر مسامحه ای واضح است.

##### اشکال به ضابطه دوم: اشکال در موارد ترتب (مرحوم صاجب جواهر ره)

اما در ضابطه دوم که تأثیر همزمان دو جنایت را طرح نموده است؛ مرحوم صاحب جواهر ره امر را مشکل می داند در جایی که افعال بر هم مترتب باشند، و حتی جزم به عدم اشتراک و استناد قتل به جانی دوم را هم بعید ندانسته است و در نهایت قضیه را محول به عرف و صدق عرفی اتحاد و اشتراک نموده است.[[2]](#footnote-2)

#### ضابطه قصاص متعدد در نصوص

همان طوری که گذشت؛ مستفاد از نصوص مختلف، تحقق ضابطه قصاص بر متعدد در دو مورد است؛ اول انتساب جنایت به افراد متعدد در موارد وقوع این جنایات در عرض واحد و دوم هم ثبوت مقتضی ولو به نحو متناوب و اگرچه که بین این جنایات همزمانی نیست، ولی وقوع جنایت به افراد متعدد صادق است؛ بر این اساس، اگر در ابتدا نه نفر ضربه زدند ولی فعلشان موثر در قتل نشد، ولی نفر دهم آمد و سر مجنی علیه را برید؛ در این صورت این اخیر قاتل محسوب می شود و سایر جنات هم مُشارِک به حساب نمی آیند؛ بر خلاف جایی که فعل افراد مختلف تأثیر بالفعل در موت دارد و با وجود اینکه عنوان قاتل به جزء اخیر اختصاص دارد ولی سایر افراد به دلیل مشارکت در قتل، قابلیت قصاص را خواهند داشت.

#### مقطع دوم: کیفیت توزیع جنایت

مرحوم محقق ره بعد از بیان ضابطه و ملاک شراکت در قتل، بحث کیفیت توزیع جنایت را مطرح فرموده است؛ کما اینکه این بحث مورد تعرض مرحوم آقای خویی قدس سره هم قرار گرفته است.

به نظر می رسد که بدون هیچ خلافی در موارد اشتراک در قتل و جنایت، ملاک در توزیع رؤوس می باشد و توجهی به مقدار تأثیر هر یک از این جنات نمی شود.

##### وجه ملاکیت رؤوس: اطلاقات نصوص

وجه و دلیلی که بر قول به ملاکیت رؤوس اقامه شده است؛ اطلاقات ادله قتل متعدد می باشد؛ چرا که در این نصوص بدون هیچ تفصیلی بین مساوات سهم جنایات هریک از جنات و عدم آن، حکم به قصاص و ضمانت شده است، و از آنجا که حمل موارد این نصوص بر فروض تساوی و مساوات در میزان تأثیر هر یک از جنایات، منجر به حمل مطرلق بر فرد نادر می شود، نمی توان موارد روایات را اختصاص به موارد تساوی در تأثیر داد. بنابراین اخذ به این اطلاق می شود و قابل حمل بر این جهت نیست.

###### اشکال: مانعیت با ارتکاز عقلایی

تنها امری که ممکن است مانع شود این است که ارتکاز عقلایی بر تقدیر ضمان جنایت به مقدار جنایت وجود دارد، کما اینکه در تلف مال غیر و در واقع جنایت بر اموال، این گونه است که سهم هر یک در جنایت سنجیده می شود و با این سنجش میزان مسؤولیت در پرداخت خسارت محاسبه می شود (ظاهرا بین فقها در اموال اینگونه است).

###### جواب: عدم احراز و استقرار ارتکاز فوق

در صورت پذیرش این ادعا، اطلاق ادله از ابتدا، ظهوری در بیش از این معنا نخواهد داشت و ظهور روایت محدود به فرض تساوی تأثیر خواهد بود. ولکن در نفوس ثبوت این ارتکاز محرز نیست لذا اطلاقات قابل اخذ خواهد بود.

1. . [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص187.](http://lib.eshia.ir/71613/4/187/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص69.](http://lib.eshia.ir/10088/42/69/) [↑](#footnote-ref-2)